

بنیان تئوریک جهان جدید که باید در مبنای اندیشه تأسیس دانشگاه پیشاهنگ لحاظ شود مصیب سامانیان^۱

مقدمه

ما در دهکده‌ای جهانی زندگی نمی‌کنیم، بلکه در کلبه‌هایی فراخور حال هر منطقه زندگی می‌کنیم که در سطح جهان تولید و در محدوده محلی توزیع شده‌اند. و این مبنای تئوریک جدید جهان است که بیانگر این است که قرن بیست و یکم قرن گذرهای شگفت‌انگیز است و شگفت‌ترین آن، گذر انسان به نوع دیگری از موجودیت است، موجودی که صاحب دانایی و تفکر است و تمامی امورات خویش را براساس دانایی محوری توسعه و انجام می‌دهد، که در این مقاله سعی بر این است تا با پرداختن به موضوعات ذیل، شرایط لازم تأسیس دانشگاه پیشاهنگ تبیین گردد:

- ساختار جهان جدید
- ویژگیهای جهان جدید
- ویژگیهای سازمانهای جدید
- ویژگیهای علم در ساختار جهان جدید
- دیدگاههای غالب در توسعه آموزش عالی
- نقش دانشگاهها در شکل دهی به جهان جدید
- شرایط ضروری و لازم برای دانشگاه پیشاهنگ

همانگونه که در صفحه قبل اشاره شد ما در دهکده‌ای جهانی زندگی نمی‌کنیم، بلکه در کلبه‌هایی فراخور حال هر منطقه زندگی می‌کنیم که در سطح جهانی تولید و در محدوده محلی توزیع شده‌اند که این مبنای بنیان تئوریک جدید جهان را تشکیل می‌دهد که به این جهان جدید که همراه با تغییر و تحولات سریع در همه بنیانها است و این عصر را به عصر دانایی تبدیل کرده است که این عصر دانایی جهان جدیدی را بوجود آورده است، که در این جهان بدون خلق شگفتی‌های نوین در عرصه فرهنگی نمی‌توان رشد کرد، در این عصر دانایی عامل توسعه است و توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر است.

چون جهان جدید توسعه خود را مبتنی بر دانایی می‌داند و دانایی می‌تواند به مفهوم حاکمیت علم و روش‌ها و نگرش‌های علمی در تمام مراحل مطالعه و تدوین پیاده‌سازی و اجرا و نظارت و ارزشیابی برنامه‌های توسعه ملی را در بر بگیرد، لازم و ضروری است که پارادایم توسعه و کلیه فرایندهای توسعه تحت الشعاع یک ارزش محوری بنام دانایی قرار بگیرند و نظام‌ها ساز و کارهای تفصیلی کردن ایده‌های توسعه را در پرتو دانش بدانند و همچنین سامانه‌هایی را برای پایش Monitoring میزان رشد و تحول خرده‌نظام‌ها بر مبنای دانایی را پیش‌بینی نمایند.

یکی از بزرگترین و مهمترین ویژگیهای جهان جدید بوجود آمدن شغل جدیدی برای نیروهای تحصیل کرده است که به اصطلاح Knowledge worker یا کارکنان دانشگر نامیده می‌شوند.

دانشگران با آنکه اقلیت چشمگیری در میان نیروی کار بشمار می‌روند و در بسیاری از کشورهای توسعه یافته امروزی ۶۰٪ از کل کارکنانشان دانشگر و دانشور هستند و از هر پنج شغل، چهار شغل آنان دانشوری است، که هم‌اکنون

سرشت، رهبری مسائل محوری و سیمای اجتماعی جامعه نوخاسته دانشگر را در دنیای جدید مشخص کرده اند. البته ممکن است آنها طبقه حاکم جامعه دانشگر نباشند، اما یک طبقه اصلی در جامعه جدید محسوب می‌شوند، آنها از نظر خصوصیات، موضع اجتماعی، ارزش‌ها و انتظاراتشان، اساساً از هر گروه دیگری که در طول تاریخ موقعیت اصلی را اشغال کرده بودند، کاملاً تفاوت می‌کنند.

نیروی دانشگر از طریق آموزش رسمی بکار، شغل و موقعیت اجتماعی دسترسی پیدا می‌کند بخش قابل توجهی از دانشگری مستلزم مهارت یدی و کار با دست است.

آموزش رسمی که برای دانشگری لازم است آموزشی است که تنها می‌تواند از طریق تحصیلات رسمی بدست آید، نمی‌توان از طریق کارآموزی بدان دست یافت، در جامعه ایکه دانشگران آنرا بوجود آورده اند، سرمایه گذاری راستین در ماشین‌ها و ابزارهای تولید نیست، بلکه در دانش و دانشگران است، بدون دانشگران، ماشین‌ها نامولد هستند.

با پیدایش جامعه دانشگر جامعه به جامعه سازمانها تبدیل شده است که همه ما در یک سازمان یا برای یک سازمان کار می‌کنیم و برای افزایش کارایی و همچنین بهبود زندگی خود به سازمانها وابسته ایم، سازمانهایی که دارای چنین ویژگیهایی در جامعه دانشگری باشد:

۱. قابلیت بهره گیری مناسب از داده های پیشرفته که در دسترسشان قرار دارد هستند

۲. آنچه که در این جوامع متجلی است مغز انسانها، تکنولوژیها و اطلاعات است.

۳. جوامع دانا به جایگاه انسانها به خوبی پی برده اند.

۴. به محیط پیرامون خود حساس هستند و همگام با آن پیش می‌روند.

۵. منابع دانایی قابلیت افراد خود را بخوبی می‌شناسند و می‌دانند چگونه، از این منابع و قابلیت‌ها بهره بگیرند.

سازمانهای دانایی محور پیوسته به نوعی خردگرایی انتقادی حساس می باشند، یعنی بطور مرتب مدل های ذهنی سیستم ها و شیوه های عملکرد خود را مورد بررسی قرار می دهند به اعتقاد کوپر در سازمانهای دانایی محور، باورها مرتباً و مستمر مورد سؤال قرار می گیرد او می گوید سازمانهایی که در اوج موفقیت قرار دارند باید به شیوه های خود حساستر باشند زیرا اگر به عملکردهای خود تردید نکنند، ممکن است دچار رکود شوند.

از جمله ویژگیهای جهان جدید که می توان به آن اشاره داشت، همکاری و مشارکت جمعی برای حصول کارایی است، پیتر دراگر می گوید: عده بسیار کمی از مردم به تنهایی کار می کنند و به نتایج دلخواه خود هم می رسند، هدف از ایجاد مشارکت به خوبی توسط برگ کوئیسست و همکارانش تبیین شده است، آنها می گویند: همکاری و مشارکت برای حصول کارایی شکل می گیرد مشارکت به سازمانهای همکار اجازه می دهد که با امکانات کمتر به نتایج بیشتر برسند، آنها می توانند خدمات و محصولات با کیفیت بالا و هزینه های کمتر نسبت به حالتی که به تنهایی کاری کردند ارائه دهند.

همکاری و مشارکت، انعطاف پذیری بیشتری را ایجاد می کند. ساختارها و موافقت نامه ها می توانند به راحتی در جهت تطبیق با نیازها و شرایط در حال تحول تغییر کند.

با توجه به فرآیند توسعه که چند بعدی است و یکی از ابعاد آن علم است و خود این علم موجب دانایی و شکل گیری نیروی دانشگران است، در همایش جهانی علم برای قرن بیست و یکم، کاربردهای علم را چنین بیان داشتند:

۱. علم برای دانش، دانش برای پیشرفت

۲. علم برای صلح و توسعه

۳. علم در جامعه و علم برای جامعه

در بند هشتم این بیانیه ضرورت تبدیل شدن علم به یک ارزش مشارکتی و همبستگی به نحوی که دربرگیرنده منافع تمام مردم باشد، طرح شده است و در بند نهم تأکید شده است که دانش علمی بیش از پیش مورد نیاز تصمیم‌گیران دولتی و خصوصی است و دانایی باید نقش اساسی در تدوین سیاست‌ها و راه‌حل‌ها ایفا کند.

بند بیست و هفت به ایجاد رابطه نوینی بین علم و جامعه برای حل مسائل جهانی و مشکلاتی همچون فقر، تخریب محیط زیست، ناکافی بودن مراقبت‌های بهداشتی عمومی و عدم امنیت ناشی از فقر غذایی و کمبود آب ضروری است. در بند سی و سه آمده است که امروزه بیش از هر زمان دیگر علم و عملکردهای آن لازم توسعه است، توسعه مبتنی بر دانش که از سال ۱۹۹۶ م به این طرف مطرح شده که محصول عوامل زیر است:

۱. گسترش فعالیت‌های مبتنی بر دانش و دانایی
۲. توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات
۳. شتابان شدن روند جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ، سیاست، علم و فناوری
۴. ارتقای ارزش افزوده دانایی و اطلاعات در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی
۵. نوآوری و گسترش فعالیت‌های مربوط به بسته‌بندی و انتقال دانش
۶. برجسته شدن نقش و جایگاه بنگاه‌های دانش
۷. حمایت جدی دولت‌ها و نهادهای اجتماعی از حق مالکیت معنوی
۸. رشد تقاضای دانایی در فعالیت‌های تولیدی
۹. روند رو به افزایش تجاری‌سازی دانش و نوآوری
۱۰. ظهور مشکلات، ضعف‌ها و نواقص اقتصادی کاربر و سرمایه‌بر و برجسته شدن نقش نرم‌افزار و مغز افزار در کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی.

۱۱. توسعه نهادهای میانی و واسطه برای تولید، اشاعه، انتقال و کاربست

دانایی از قبیل دانشگاهها، سازمانهای R & D، آزمایشگاههای ملی،

شهرک های تحقیقاتی، پارک های علم و فناوری و انکوباتورها.

دیدگاههای غالب در توسعه آموزش عالی در سطح جهان، دو دیدگاه مهم

برای توسعه آموزش عالی وجود دارد که هر دو معطوف به وضعیت کشورهای

در حال توسعه است:

یک دیدگاه عمدتاً از سوی بانک جهانی مطرح می شود و در توصیه های آن

به کشورهای در حال توسعه القا می شود، توسعه آموزش عالی را صرفاً در

جهت رشد و توسعه اقتصادی و با تأکید بر سرمایه گذاری در طرحهای دارای

بازده سریعتر و بیشتر لازم می داند و بویژه تخصیص منابع دولتی را فقط به

طرحهای آموزشی که بازده اجتماعی آنها در مقابل هزینه انجام شده توجیه پذیر

است مجاز می داند که دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در اکثر کشورهای

پیشرفته اروپایی و امریکایی پس از اینکه به گسترش و سبب امکانات آموزش عالی

و دسترسی روز افزون افراد باخیل عظیم متقاضیان مواجه شدند سعی کردند که

با برنامه ریزی آموزش متوسطه، اکثریت دانش آموزان را به سمت کسب

مهارتهای علمی مورد نیاز بازار سوق دهند، فقط اقلیتی را که هوش و استعداد

برتری داشتند به دوره علوم انسانی و نظری و سپس دانشگاهها گسیل دارند.

دیدگاه دوم که از سوی سازمان یونسکو مطرح می شود، این است که

آموزش عالی علاوه بر رسالت تأمین الزامات توسعه در رشد اقتصادی، رسالت

فرهنگی اجتماعی دارد که فایده و بازده آن در قالب ارزیابی های هزینه فایده به

طریقی که در دیدگاه اقتصادی مطرح می شود، قابل سنجش نیست. لذا هزینه های

آموزش عالی نه تنها باری سنگین بر بودجه ملی و مانع توسعه اقتصادی نیست

بلکه بازده این سرمایه گذاری اجتماعی در بلند مدت پایه های اساسی توسعه را

بنا می نهد.

اما دانشگاه‌ها به جهان جدید چگونه شکل می‌بخشند و چگونه شکل می‌گیرند؟ از وظایف مهم نظام آموزش عالی کشف، حفظ، تکامل، انتقال و بکارگیری دانش است از این حیث این نظام برای حیات و بالندگی و پویایی خود باید مستمراً همراه با تحولات محیط بیرون تغییر کند و این تغییرات در دانشگاه‌ها تعاملی است یعنی علاوه بر ایجاد تغییر در محیط، خود را نیز با شرایط محیط تغییر می‌دهند.

الگوی زیست‌شناختی تکاملی سازمانها که توسط مورگان در سال ۱۹۸۶م ارائه شد معتقد است: سازمانها به جای سر و کار داشتن با محیط، باید با محیط تغییر کنند و در این الگو محیط داخلی و بین‌المللی به عنوان یک نظام حمایتی پیچیده تلقی می‌شود که شامل روند‌ها، رویدادها رقبا و ذی‌نفعان است.

سازمانها محیط بیرون خود را بطور مداوم ارزیابی و رصد می‌کنند تا با در نظر گرفتن شرایط درونی و بیرونی در برابر آن عکس‌العمل به موقع و مناسب نشان دهند.

با توجه به اینکه آموزش عالی نیز نمونه‌ای از سیستم باز است که قدرت در ریز بدنه آن پخش است لذا از الگوی خطی پیروی نمی‌کند، یعنی جامعه قدیم که بر برنامه‌ریزی، تصمیمات منسجم و تعیین اهداف از قبل متمرکز بوده، آموزش عالی با شکل دهی به جامعه جدید به عنوان یک سیستم باز، باعث رقابت دائمی اهداف در جامعه است و همیشه اولویت‌ها جا به جا می‌شوند، بنابراین آموزش عالی پیشاهنگ به جهان جدید و افراد اینگونه شکل بخشیده است:

۱. خود اثر بخشی
۲. خود اختیاری
۳. پذیرفتن شخصی نتیجه
۴. معنی دار بودن
۵. اعتماد

بنیان تئوریک جهان جدید که باید در مبنای اندیشه تاسیس
=====

در عرصه عمل نیز نظام تولید دانش به دلیل کاهش طول عمر فناوری و تجدید و نو‌شوندگی دایم آن، فشردگی زمان و مکان در عرصه اطلاعات، فرایندهای شبکه ای شدن و زش و ایجاد پیوستگی و ارتباط الکترونیکی جهان گستر، دستخوش تغییر و تحول شده است.

در فضای سایر هویت علمی نیز با ارتباط گره خورده و تبدیل به شرط حیات شده است به این معنی که هرچه تعامل خلاق با محیط بیشتر باشد هویت علمی و فرهنگی بازیگران این عرصه جا افتاده تر است در حقیقت تولید علم و تکامل و انتقال آن محصول اشاعه فرهنگی مستمر است و این فرآیند به صورت آگاهانه و داوطلبانه رخ می دهد.

شرایط لازم و ضروری برای دانشگاه پیشاهنگ

حرکت به سمت اقتصاد مبتنی بر دانایی و شکل گیری جوامع اطلاعاتی که از ویژگیهای یک دانش پیشاهنگ است با مسائل و چالشهایی روبه رو است که از جمله می توان به موارد ذیل اشاره داشت:

۱. رقابتی شدن گسترده بازار دانش و امکان پس افتادگی دانشگاهها در روند عرضه دانایی.
۲. ارتقای سطح میانگین دانایی در افراد جامعه، مراکز صنعتی، خدماتی و اداری و ضرورت ایفای نقش دانشگاه در بالا بردن سطح معدل دانایی عمومی و تخصصی
۳. ضرورت ظهور دانشگاه به عنوان هسته پیشتاز و رهبری کننده جریانات رو به رشد دانش
۴. امکان ظهور تعارض و ناهمخوانی و تنش بین روندها و ساز و کارهای تولید و اشاعه دانایی با ساختارهای متعصب اداری و مقرارت دست و پاگیر

۵. امکان عدم تغییر نگرش اساسی در بین مدیران جامعه متناسب با الزامات توسعه مبتنی بر دانایی

۶. عقب ماندگی و ناهمگامی نسبت به روندهای بین المللی دانش

۷. فقدان ساز و کارهای تعاملی لازم بین دانشگاهها و مراکز تولید علم با مصرف کنندگان دانایی و وجود حلقه های مفقوده در چرخه تولید، انتقال، جذب، اشاعه و مستندسازی فناوری برای جلوگیری از این مسائل و گذر از این چالش ها لازم است ابتدا برنامه اصلاحی توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش با شرایط ذیل ایجاد شده تا پایه برنامه ریزی مناسب برای دانشگاه پیشاهنگ را بوجود آورد:

۱. کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند یاددهی- یادگیری

۲. تأکید بر مهارتهای بکارگیری از دانش و اطلاعات و گذار از آموزش دانش و

انتقال اطلاعات به آموزش چگونگی یادگیری

۳. بکارگیری توانایی شبکه جهانی اینترنت در فرایند یاددهی- یادگیری و

آموزشهای از راه دور مبتنی بر شبکه

۴. گنجانیدن واحدهای آموزشی و درسی لازم برای تمرین مهارتهای کار با

کامپیوتر و بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در موضوعات گوناگون

درسی.

۵. ایجاد امنیت برای دانش آموزان در شبکه جهانی اینترنت

۶. طراحی واحدهای درسی اجباری در ارتباط با دانش فناوری اطلاعات، بهره

گیری از اطلاعات و بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و

پرورش

۷. پرورش و تربیت حرفه ای معلمان، همگام با گسترش فناوری اطلاعات و

ارتباطات در آموزش

بنیان‌گذاران تفکر نوین در مبنای اندیشه تاسیس
۸. گسترش همکاری‌های صنعت با آموزش و پرورش برای افزایش کیفیت و تنوع آموزش، یادگیری و تمرین مهارت‌های مؤثر در مدارس

۹. برپاکردن مرکز ملی اطلاعات آموزش برای اطلاع‌رسانی به موقع به دانش‌آموزان و معلمان

بنابراین دانشگاه پیشرو مبتنی بر دانایی محوری بایستی بتواند:

۱. دانشجویان را قادر سازد تا بتوانند توانایی‌های خود را گسترش دهند

۲. مهارت‌های مؤثر مورد نیاز زندگی در جهان امروزی را تمرین کنند

۳. فرهنگ‌های دیگر را بشناسند

۴. توانایی تعادل و همکاری بین‌المللی را در خود رشد دهند

۵. در فرایند یاددهی-یادگیری فعال باشند

۶. مهارت‌های حل مسئله و یادگیری مبتنی بر پروژه را بیاموزند

۷. اخلاق بکارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات را بیاموزند

۸. تربیت خودآموزی را به کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات بیامیزند

۹. تربیت خودآموزی را به کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات گسترش دهند.

نهایت اینکه با توجه به وظیفه مهم نظام آموزش عالی در کشف، حفظ، تکامل، انتقال و بکارگیری دانش، که این ویژگی‌های یک سازمان برای بالندگی و پویایی است و علم بر اینکه تغییرات بطور مداوم و مستمر در محیط بیرونی و بین‌المللی دانشگاه‌ها اتفاق می‌افتد و عدم پیروی نظام آموزش عالی از یک الگوی خطی، و تربیت نیروهای دانشگر از طرف آموزش عالی، دانشگران و تحصیل‌کردگانی که آموخته‌اند چگونه بیاموزند و چگونه در چه چهارچوبی در قالب آموزش رسمی همچنان به آموختن ادامه دهند همه این عوامل باعث تسریع در تحقق اهداف و سیاستگذاری‌های دانشگاه پيشاهنگ و پیشرو میگردد و برای اینکه

- دانشگاه پیشاهنگ که مبتنی بر دانایی محوری می‌خواهد عمل کند و این یک ضرورت است، لازم است موارد ذیل را نیز مورد توجه قرار دهد:
۱. عدم پذیرش افراد ناشایست و نادان در رأس مدیریت دانشگاه پیشاهنگ
 ۲. ارائه یک استراتژی قوی
 ۳. خارج ساختن دانشگاه از روزمرگی
 ۴. توجه به محیط بیرون و کسب خبر مداوم و مستمر از دنیای پرتحرک جامعه امروزی
 ۵. اهمیت دادن به منابع انسانی
 ۶. اهمیت به خردگرایی اقتصادی
 ۷. ایجاد شرایط لازم برای خلاقیت و سیاستگذاری به سمت خلاقیت پروری
- دانشگاه پیشاهنگ به عنوان یک سازمان یک سازمان دانایی محور می‌داند که اگر شایستگی دانایی خود را از دست بدهد از بین خواهد رفت به عبارت دیگر دانشگاه پیشاهنگ علاوه بر آینده نگری و آینده سازی آینده گزین است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

- ۱- اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۰۳-۲۰۴، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۸۳
- ۲- اطلاعات علمی، شماره ۲۶۳
- ۳- تدبیر، شماره ۱۱۵ شهریور ۱۳۸۰
- ۴- تدبیر، شماره ۱۱۹ دی ماه ۱۳۸۰
- ۵- روزنامه همشهری ۷۶/۱۲/۲۰
- ۶- رهیافت
- ۷- فراز، تابستان ۷۷
- ۸- فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۷، ۲۸، ۱۳۸۲
- ۹- مجله نامه آموزش عالی، تیر و آبان ۸۳
- ۱۰- مدیریت نوین با دانایی محوری رو به بهانه برگزاری همایش توسعه دانایی محور آموزش عالی و مناطق آزاد چابهار
- ۱۱- مدیریت دانش سازمانی، شماره سوم آبان ماه ۸۳
- ۱۲- نشریه توسعه مدیریت، آبان ۸۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی